

همه روزہ مجرای جمعہ و تعطیل های عمومی منتشر میشود  
مقالاتیکہ بہ ادارہ برسد و ہیئت تحریر بہ دوج آرا صلح نداشتہ ادارہ  
در زد کردن بصاحبانش مجبور نخواهد بود

# فقہ

### قیمت اشتراک

بلی فت	سالیانہ	شش ماہیہ
۵ تومان	۲۶ تومان	۱۲ تومان
سایر ولایات	سالیانہ	شش ماہیہ
۶ تومان	۳۰ تومان	۱۳ تومان
عمالک خارجہ	سالیانہ	شش ماہیہ
۸ تومان	۳۵ تومان	۱۵ تومان

### قیمت اعلانات

صفحة اول ساری يك قران  
صفحة چهار سطری دهشای

تک نمبر  
۴ جانی  
۵ شامی

### جلگ زرگری

از بدو دنیا تاریخ نما نشان میدهد بحکم طبیعت  
هیچ دوری نبود که از اختلاف سابقه ها کار  
از روزه بروی نیکبند باز چنانکه شنیده و  
در یافته ایم همیشه در این موارد (دزد بازار و  
آغشته میخواست) و بدقتبسته سخته خود در  
موقبتکه دورتر را بیکدیگر مشغول میدید و  
ابواب نراع لفظی را بروی یک عدہ از مردم  
منفوح میداشت فوراً مجبور و بعضاً کرمی بست  
موقع را غنیمت می شمرد و بقید خود بهره و لو  
موقعی از آن میدان کارزار میدید.

هم در آن آشنا گاهی خوشحقیقانه دیده شده  
منازعتن کریان بیکدیگر را رها کردند اول  
اضمحلال بود آلترا را بر خود واجب شمردند  
و پس از نیل بدان مقصود مقدس ای پیمان اتفاق  
افتاده که معارضه خود را باهم رسانیدند یا  
حدوث یک چنین عارضه که بکلی از موضوع  
منازعات آنان خارج بود آب سردی بمچالده  
کرم ایشان پاشید و بیکره ان مختصر روى بدل  
سطحی هم از میانہ اشخاصیکہ با صرف نظر  
از نزاع لفظ هر دو طرف هوا خوار یک  
مقصود مقدس بوده اند از این جهل صرف  
نک که دشمن مقصود این سو بوده از بیانه  
مرفوع شده هم عدو را از میان برداشتند هم  
انعام واضح لازمه را کلیاب کردیدند.

ما کو با هیچ محتاج تقسیم در این باب بسط  
مقال دهم و بگوئیم هالطور که بگوئیم شکبک  
قوی مخالف بر ما لازم بود چنانچه از نیل  
بان آزروی مقدس برخیز خود سوار شدیم  
امروز دشمنای آزادی و مساوات شتم کور  
کورانہ از غفلت ما میجوهند استفاده کنند  
یعنی ما را بیکدیگر مشغول سازند و از طرفی  
در افواه و السنہ انتشار دهند **میان**  
طرفداران اتحاد و ترقی هم اختلاف است و  
موقع را باید غنیمت شمرد دستبندی در این  
بسیانه زد تا بلکه استبداد معدومه را دوباره  
بیجا کرد.

از بلطرف بطوریکہ وقایع جاریہ عالم بما  
نشان میدهد این ظاهراً بد نظر معاندین نماید  
و گاهی اتفاق افتاده دشمن از همین در داخل  
شده گاهی هم بمقصود رسیده است اما آن  
اسل بزرگ تقیر ناپذیر خوش عاقبت را هم  
نتوان انکار نمود  
(حق بمرکز خواهد جای گرفت)  
بلی حق عاقبتی الامر بمرکز جای گرفته و  
خواهد گرفت فقط چیزیکہ دلہای دانغدیده و  
منزہای محنت کشیده هواخوانان اخوت و  
مسارات را بیکدیگر رنج و غم در این آشنا  
مبتلا میکند (فقدان وقت کرانبها است)  
که از کسبه رفته و مانند ندارد چنانچہ عییدزانی  
فرموده است (کار امری و ز را بفرما  
مبکشید)  
همیشه دیده ایم و اگر غمهای ما کفایت  
ادرک این نکته بمحضرس را ننموده است  
بیشبناں دیدمانند خسارت منظرین فرست  
لشمن مضاعف بوده اما مناظرعین هم از  
تلفاتی بی بهره نمانده اند

### حکایت

یکی در موقع اظهار قدرت بطرف خود  
گفت ایقدر ترا میدوانم که خسته شوی گویند  
طرف در جواب کلامی ننز و ساده را پیشهاد  
وی نمود با یک برش حکیمانه و برآ ساکت  
ساخت .  
آیا تو هم بشعاقب من خواهی دو بد یا نه؟  
پس ما هر دو از این سو تدبیر غایدی داریم  
کویا با همین مختصر مقصد ما اگر اصل مقصود  
طرفداری از حریت و گذشت از اغراض است  
میخوائیم ثابت نمود قطع نظر از نتیجه قوی  
خارجی دشمنای داخلی از مناقشات سطحی  
ما استفاده یا کرده اند یا خواهند کرد و در  
جواب هرفرازی که در مقام راز و گمان در  
محکمہ وجدان عرضه بداریم خواهیم شنیدنا  
مفرضین در داخله بحکم عیان وجود دارند  
و مقصود آنها استفاده از آب کل آلوداست  
انها که جوئی یک مرامند خود را نباید هدف  
سوام شر طلبان و مستبدین بسازند

### ادب از ک آموختی از بی ادبانی

ما وقتیکہ بچین داریم از اثرات (اعلان غنوی  
عمومی اجباری) که بمنافع محرکین آنها  
که جلب منفعت شخصی را با هزاران گونک و  
کاک و جغت و بند بکردن نالوان محنت کش  
سیورما بار کردند مقتصدین که در حرف اضمحلال  
بودند و کسی باقی مانده بود صفت خلیف با لوط  
تزلوث و جود آن ناپاکان بیکره پاک شود از  
سوءالفصانی که در بارها اجرا شد زندگانی آنها  
را امتداد داد ما وقتیکہ برای التین می یابیم  
در هیچ جای دنیا احکام حق ما فرود نمارد  
و در مرکز وطن و بلی نخت مملکت ما حکام  
سایرین هین که بکجدار و مریز جاری شود ما  
وقتیکہ ادراک میکنیم روزی بتوان نمک و  
زمانی توهم ذوغال هنگای برای خیال فانتان قدری  
که هوا گرم تر شود بتوان آب بجملا هر روزه  
یک دست آویزی خانقین دم خود را محض اظهار  
حیات نشان میدهند دیگر بریسمان پوسیده  
حرفهای نظامی اصلاح اجانب چچما رفتی  
از طرف خود احساس میکنند و برای التین  
می بینند که یک عده معتبه آرام نمیکردند و  
عوام را مجال خود و آنچه گذارند و اثر هم  
میدانند قوه دفاعی ایران هر قدر که  
بصورات نیاید و کم باشد لاف برای اسکا

این چند نفر باقی مانده شجره قبیله خیانکاری  
کافی است چنانکه در مقامات عدیده امتحان  
کردند بقدریکہ دسترس پیدا کردند دامن  
باشن زدن هر وقت که اولیای امور خواستند  
کاملاً آنها را بجزای خود برسانند با عجبالتاً از  
خبال تقته و آشوب و تجزیکات و اغوای  
جهال باز دارند میتوان گفت فاش و آشکار  
حمایت بی پرده از مفسدین فی الارض کردند  
آنها را بخمود راه دادند و حقوق ایران و  
ایرانی از این رهگذر طائل و معطل ماند  
یک نفر نیست که درست به غالب پناهندگان از  
چند سال قبیل با نظری منصفانه بکسر دنا  
تصدیق کند یک نفر از آنها بشخصه حقی  
بر دیگری نداشته است بلکه حقوق جمعی را  
بالازده و چهار قسم راه را پیموده با کمال بی

غیرتی و بی تلموسی زور ایران خراب کن را  
وسيلة اجرای خیسان خود ساخته است ماکر  
اغلب آن اشخاص را اسم پریم و از حال و  
خیال سابقه و لاحقہ آنها در انظار عامہ کاملاً  
مرفی کنیم جای تعجب ها خواهد بود که  
در کدام مملکت اشخاصیکہ جنایتهای شخص  
را مرتکب شده و خیانتهای صریحه بوطن نموده  
دست درازی بحقوق و حدود کرده از هیچ  
مللت و خیانت وجودش برآیدت و از اولین مقصرین  
بلقبی است بچہ دلیل تاها گاهی آورده بایده داشته باشند  
که در آنها هم به پیوجو کونای از اعمال  
نیات فاسده خود نداشته باشند امروز که  
حقوق و حدودی بین دول و ملل مسین  
و محقق است بگنام حق نادرآ آخر ذآخرین  
خیال سایرین در باره ما باید اجرا شود و  
صورت بیکرد ولی ما حقوق حق واضحہ  
خود را باید بطاق نشان بگذاریم بلکه حق  
هم نداشته باشیم در موردی دم از حق بزنیم  
این کدام نتیجه قوی و غالب است که مارا  
تاین درجه اسیر و ذلیل و پریشان و سچاف  
سپان میجوهد این غفلت ما — بیعلمی ما —  
صرف نظر از اتفاق ما — بیگ دیگر برداختن  
ما — دشمن را محقق کنانشن — و با  
اشخاصی که احتمال ضرر از آنها نسبت  
بخود میدهم در آویختن ما — جهل ما —  
فقدان عجامح برای ملاحظات ما — بالاخرہ  
خیلی درد ها است که درماتش بدست خود  
ما است و اغلب از ما محفوی بیوب واقف  
شده ایم و طرف قانع شده ایم .  
از کلمات لغت عرب که بر سه گونه است  
اسم و فعل و حرف ما بخند کلمه مختصر حرف  
مسیح و موزون اکثفا کرده و دل خوش  
داشته ایم که باغ شود سیزه سرخ کل بدواید  
نیدام این تکامل رفتیل و قبول ظلم را نکیاید  
ببسیارانی فیلسوفی تمیز بکنیم و خود را باهمان  
عبارات معطل بداریم اگر بکنند درد ها را  
واضحتر بگوید تند است و دیوانه بایده بقدرات  
تمام قواء و جوارح او را در بند داشت  
انکه هم بملاحظه حرف میزند کند است و  
تقریباً وجودش نسبتاً نفع و ضرری نتواند بود  
حد وسط هم گاهی با این و زمانی با آن  
مشغول مجادله و رد و بدل الفاظ خشن و بیرون  
ار نراک انشائی است دست غیبی هم کمان تمبکنیم  
در بیدار کردن ما ها بیشتر از این حقی  
داشته باشد مگر آنکه ما باور کنیم و یقین داشته  
باشیم دست غیبی باید بگیرد و به بدد و بدهد  
دست پهلوان و این خیال خام علاوه برآنکه  
بی اقدام ما ها در خور هزاران مضحکہ است  
عبدیل و مانند این برایش در عالم ندیده ایم  
در هیچ نقطه از نقاط عالم دست غیب غذا را  
لقمه نگرفته و بدهان کسی نگذاشته است .  
هیچ با تیان نظیر خود را خلق نمی یابیم  
و کان داریم بر فرد فرد ما احتیاج مملکت  
همه چیز واضح باشد چیزیکہ در این مباحثه از  
همه مضحکتر است و معروف است ما از این  
مردم محتاج از چند ماه قبل مواجبها و حقوقیکہ  
برای خود از سالیان دراز درست کرده اند  
وانرا وسیله کدائی و بدبختی خود قرار داده اند

بجای آنکه چنانکه معروف است بتومانی عشریا  
سی شای الی دو قران میخریم بخرج دولت  
محتاج خود بیاوریم برتروت و اندوخته خود  
باز از قرار تفریر جعی میبافزاییم و محض  
رفع اشتباه اقسام حیلها بکار میبریم تنها  
این دراز دستہ اختصاص بآلہ مملکت ندارد  
و راجع ہر چیز مملکت است بچہ آن سر  
باچاره و استجاره باقا ت دولتی هم اکثر  
دسترس پیدا میکنند ہم نخیال تمعرو  
مواظبت و سود بردن از شاخ و برگ و حصول  
درخشان و سایر منافع ارض و محلی آن  
فراط بوده بلکه بر آن سر بوده ایم بیکره ار  
بیخ و بن تا آخرین خونها بیرون بیاوریم  
و اگر شش ماہ اولیای امور غفلت نمایند  
فعاثفا آ سچاها را درست کرده زمین بیاض  
باز نه تحویل کنیم بلکہ با انواع و اقسام ادعای  
ملکیت و مالکیت تمهیم .

بلی این جزو ادارها که گاهی اتفاقا راه  
دار میشوند تمام هم ایشان مصروف دخل  
شخصی است هر قدر عملیات (پراک) )  
داشته باشند در راه صرفه شخصی بکار میبرند  
بی توان وطن که بمدار همه ورطه ها به ورد  
(تند — و کند) مبتلا شده بیکجہ عرش  
با این حرفها باید بکنند انبای او همین  
الفاظ مشغول باشند و دشمن از این حسن  
اتفاق که برایش پیش آمده استفاده و  
استفاده کند .

### سفارت فوق العادہ ایران در لندن

از قرار ترجمہ استخراجی که از تلگراف لندن  
از طرف جناب اشرف آقای ممتاز السلطنہ سفیر  
کبر فوق العادہ ایران بانندن مستفاد میشود  
بشرح ذیل انجام آن خدمت مهم عمده و  
نموده اند واز دربار دولت فویشوکت انگلیس  
از ایشان پذیرائی بعمل آمده بزرگترین پذیرائی  
از طرف انگلیس نسبت بسفیر کبیر فوق العادہ  
دولت علیہ عمل آمد کتی مخصوص در کاله و  
راه این مخصوص در ( دور ) منظور و جنرال سیرو  
این سن از جانب اعلی حضرت پادشاہ جناب لعلی از  
طرف وزارت امور خارجه بندہ را در کنار  
کشتی پذیرفته و در لندن در رعیت سفارت کبری  
دولت علیہ میباشند اعلی حضرت مرحمت فرموده  
جناب دل تمک برادر اعلی حضرت ملک را  
برای استقبال سفارت کبری بکار اعزام فرموده  
دیشب که در سر شام ملاطین حضور داشتند  
از جانب اعلی حضرت فویشوکت مورد کال مراحم  
ملوگانه گردیده مخصوصاً تأملات فوق العادہ را  
که از فوت پدر تاجدار و محبوب القلوب عامہ  
اعلی حضرت هاپونی که نسبت باستقرار مشروطیت  
با انہم مساعدت و داشتند بران کرده واعلی حضرت  
هایونی کال اطمنیان را از رعیت و دوستی و  
نعمتیات خود شان را نسبت بملت ایران  
سیان فرمودند  
( ممتاز السلطنہ )

شماره ۸۵ روزنامہ شرق و اشراقت مفرضانہ  
در مورخہ ۱۴ شنبہ ۱۴ ج ل باز روزنامہ  
شرق در فغانی فرموده و بقلمانی که از تکران شرم  
باید داشت وقاحت را متحمل شده گنایہ بتمام

متبع ۰۰۰۰۰۰ و عبارات انو مجامعی خیلی  
بزرگ من جسدہ دریاب انتخاب حضرت  
سردار منصور بوزارت عدلیہ عقاید سخنی خود  
را در این نمرة تجدید نموده با یک آب و  
تاب دستون از روزنامہ خود را ببقاری و  
مبمنت از عباراتیکہ لایق آنچنان روزنامہ می  
نواند باشد بر کرده مدیرعالم و دبیر روشن  
ضـسـرـش داد سخن داده اند مخصوصاً بفرمان  
( شیخ بصیلا و صبوی ایشیح ) بصرف نظر  
ار غلط آملانی که البتہ از سہو حرفچین و غفلت  
مصحح ناشی است معنی الہام را ثابت نموده  
است سابقاً معمول بود اشخاصیکہ دست ایشان  
بدہانشان در ایران میسند بلیست بعضی جریدہ  
تکران که ماہ روسیدی ارباب قلم ( سولقان )  
بودند رشوه و سبوق تقدیم کنند تا از دست  
قلم و زبان آن مپکرهای ضارہ آورده باشند  
ولی چون مقام صاحب امتیاز و سردبیر (امی  
ولندی ) روزنامہ شرق منزہ تر از آن است  
که این نسبت ها را ایشان بدهند با کسوتیم از  
راه وطن دوستی روزنامہ شرق چندی است  
لغالب افراد ہیئت وزرای سابقہ و لاحقہ برانرا  
باز بچہ خود قرار داده در این موقع ترجمہ  
روز نامہ منحوسہ ( کورہ اورویان و ا ) کیا  
همین پست بدارہ وقت رسیده ذیلاضمیمہ این  
مختصر تقدیر خود قرار میدہیم و قارئین محترم  
را مطلع میازیم نہ تنها از این کلاغهای سپاہ  
در ا ا ا ا ا ا ا ا ا ا ا ا و وجود  
د د دارد بلکه در اروپا ہم بیاہر گویانی  
پیدا میشوند که از سردبیر روزنامہ شرق که  
در حق حساب و امانت و دیانتش من جمله  
بز ما در فروش بابط شرکت شرق و جوهات  
دستی که شخصاً کرفتہ است معلوم شده در  
قرصی قلم و سلامت میان پیشی چشمه آند  
بلی ا ا ا انقلابیون ع ع ع علمبون را وظیفہ  
همین است کہ سردبیر شرق ادا میکنند چیزی کہ  
این ( مبارکیاد ) روزنامہ شرق کردارہ چند  
فحش صریح آب کشیده است ما انتظار داریم  
بعد از آنکه مقاصد آقای عالم عامل فاضل با دل  
لوزعی المی تحریر از این بیانات انجام نشد  
بعد از دوسہ ہفتہ کہ بزرگ نمرة سومہ شرق  
( کہ هر روزه فوق العادہ هم خواهد داشت )  
عالم معارف را م م م مشتمل میکنند آن  
آخرین نمبر خود را از ترکش بیرون آورده  
بکان بگذارہد و رها کند فحش صریح  
والسلام والا کرام  
ترجمہ از روزنامہ منحوسہ کورہ اورویان نمابندہ  
اوکار سمدالدولہ و دکتربجلبل معلوم الحال بموجب  
نص صریح مرکز انصاف و ترقی دوپاریس کہ  
عین همان نمرة را کہ بزبان فرانسه است بدارہ  
فرستاده اند و اینک در اداره ضبط است بلی  
اخوانی بزرگ روز نامہ شرق کہ از تراوش افکار  
سعدالدولہ و حسین پشا امیر بہادر قدیم و سردار  
( اختر ) و تمام متفقین و مخلوعین است با کمال  
وقامت و بی ادبی جریدہ مقدسہ جبل المظہن  
و جریدہ ایران نو و جریدہ شمس را ایلہانہ  
محل تقدیر قرار داده و باضای [ صدیق الملک ]  
کہ یک برادر دکتربجلبل هم از قرار تفریرات  
کمیئت اتحاد و ترقی پاریس در لاضہ



اقای صدیق الملک را دایه کی مفرماید سرخراتی  
بقالب زده است که توجعات نامه وزارت خارجه  
ایران را البته در تکذیبان سپاه نامه و جنگ المملات  
جای خواهد نمود و هی هذا

ترجمه کوریه (اوروبین)

در هم بر همی ایران

شوق فرنگی ها بدر از هیئت وزرای بد  
عدم وجود هیئت وزرا در یک مملکت است  
حقایق این مثل در ایران بدرجه اتمام رسیده  
چرا که این مملکت برای شورش و شاقی و  
بدبختی های خود اتمامی نمی بیند کارها کلیتاً  
در دست اشخاص نالایقند عالم معنی ملت ایران  
از این فقره آشکار است که قتل چون موقر  
السلطنه آدم مقلبی که خویش و آقاوش هم  
اورا عاق کرده بودند امروز مایه تقوی و شکایت  
عموم ملت شد در صورتیکه همین ملت وقتیکه  
در میدان عمومی شیخ فضل الله را سر این بدار  
کشیدند که همین قدر گفته بود که قوانین  
مشروطه را موافق قاعده اجرا نمی کنند احسن  
احسن می گفت ( یعنی اولیای امور کار را بجای  
رسانیده اند که ملت از تربیت حلیه مقرر  
شده ) اما این تقریرات و این تمناها و کلای  
ملت را مقبیه نمی کند و کلایک منقسم بیازتی  
های لاسد و لایحی شده اند و قدرت این  
پارٹی ها با اندازه کم است که اغلب یک پارٹی  
عیارت از یک شخص واحد است

حدت این پارٹی ها در ایران کردن یک فیکر  
اگر نالی داشته باشد همان حدت جراید رشوه  
خور است که استحقاق سفر از آنها بیشتر از  
تقریری است که مردم دارند و اینک حقیقتاً بدون  
هیچ قسم جنجه و جرات هر چه می خواهند می  
نویسند روزنامه های بسیار تارک ایران  
با وجود اسامی درخشان شان مثل شمس  
( یعنی آفتاب ولی آفتاب بی نور ) و ایران نو  
( یعنی ایران جدید ) که این را ذریع موقص  
اشغال کرده می خواهند که باین ترتیب  
خود را بمردم چنان بفرمانند که این  
ایران تو بایک ککتاب مشهور محترم  
یکی است ) در میدان فروغ باقی و همت  
زنی گوی سبقت را از یک دیگر برود و از  
اشخاص قلبی که از جای صندوق آنها نکند  
و نمبخواهند رشوه بدهند بد مبنویسند خود  
روز نامه حیل المین هم ملتفت قیاحت نشده  
صورت اشخاص رسمی را که شهرت شان از  
احترام شان زیاد است بشکال مختلفه با مجبات  
و فوج های متوق یا بدست آویز گذن های  
بی اصل مثل انجمن برات وزیر مختار قدیم  
ایران پرنس ملکم خان که مرده است  
و نمی توانند تکذیب آنها را بکنند در روزنامه  
خود رسم کرده و تعریف از آنها می کنند  
و حال آنکه مطلب قحط نشده و ستوهای  
این روزنامه ها می تواند مطالب مفید و صحیح  
بنویسند  
اشاره من قرانجا بر این است که هر روز جمعی  
از یس و برشانی قصد جان خودشان را کرده

و خود را می کشند و عدد آنها روز بروز  
زیادتر می شود حتی در طبقات اشخاص مقبول  
( روی هم رفته چهار نفر در طهران روزی  
خودشان را می کشند ) خود کشی حاجی  
محمد اسمعیل آقا رئیس سابق ضرابخانه این مسئله  
را بهتر مجسم می کند

مشار الیه از دولت وجه مقدمه یعنی  
سیصد هزار تومان که یک مایون و نیم فرانک  
است طلب داشت و چون فدائی های ماسوم  
الحال در خیال شکار او بودند او هم خود  
را کشته است موافق کاغذ خصوصی که تازه از  
ایران آمده

هر چه در باب اسقراض در ایران کردند  
بی نمرانده نوبت اینکه در مملکت عمل های طبیعی  
صیست بلکه بجهت اینکه وزارتانی که در سر کار هستند  
تطرف اطمینان ملت آندونه طرف اطمینان  
جلس ملی

چون مجلس ملی خوب می داند که ناصر السلطنه  
و سردار اسعد قدر طالب بول هستند و چون قدر  
قرض های فریادکن دارند لهذا بقرتیباتی که  
نتیجه آنها فقط این میشود که از وجه اسقراض  
بمداز کمسیون های زیاد قروض شخصی  
ناصر السلطنه و سردار اسعد را بشود مجلس تن  
بذوده و مخصوصاً مقصد بر این شده است که  
این وزرا از تکالیف خودشان نخطی  
نموده اند

اولا ادارات را بیادام های خودشان که  
اغلب از اراذل هستند طرف و توفع نمیشوند  
داده اند و باین شخصی که ساک بشوند و مطالبه  
بول خودشان را از آنها نکنند  
ثانیاً ملت بدون جهت پسر بزرگ ترین شخص  
کرمانشاه را گرفته و گروهی که داشته اند ( اگر چه  
یک نهد بد جدی والی پشت کوه پسر را بدیش  
پس داد بدون اینکه بدر مجبور بدانند پیشکش  
بشود ) از طرف دیگر مجلس خیلی متعجب شده  
است از اینکه بطور آشکار این وزرا نماینده  
های خارجه که باها وعده امتیازات جاسل خیز  
در خارجه می دهند حایت می نمایند و وزرای  
سرمور علی الرقم خودشان حالا مزول  
شده اند

مداخله آلمان که وزرای ایران از روی  
بی احتیاطی در مسئله اردومیه تکیه کرده خودشان  
کرده بودند مایه منزل آنها شد و حال آنکه مردمان  
عاقل میدانند که این مردمان آلمان یک  
( بلف ) یعنی چیز اجوف است ) و قران  
آخر هم با ماریوس یک مقدم جلوتر گذاشت  
چنانکه در مسئله نمک بواسطه یک حکم ناحقی  
تمام خسارات مالیات نمک را در ایران روی  
نمک ملی مانداخت حالا هم ایرانی ها میدانند که  
داوطلبان شملای بزرگ فقط در خیال خودشان  
هستند و مشروطه در صورتی مطلوب است  
که موافق قاعده شرایط آن اجرا شود و عهه کسی  
می خواهد بداند که عندا لحا چه بکند رجوع بکند چنانکه  
پادشاه طفل است نایب السلطنه بحاکم طفل افتاده  
وزرا از اکثر متظلمین مطالب یک دیگر را  
بیک دیگر رجوع می کنند بدون اینکه نتیجه  
حاصل بشود

وقت

عود استبداد و تغییر اساس حلیه حتی و نزدیک  
است و این تقریرات را حلی و مؤسسون  
منتخبین عالم مملکت خواهند شد و برای ناخبر  
عود آن در سر کار های مقبر و رأی ملک  
ها و ممتاز ها خواه دوله باشند خواه سلطنه  
لازم است

امضا ( صدیق الملک )

البته مظالمه کننده کان میدانند که صدیق الملک  
لقب وزیر مختار ایران در لاهی است که برادر  
کوکچک تر و معقول تر جابل خان پیش او  
مستخدم است و این دیوانه این سرخرقات را  
که اگر عین روزنامه حاضر نبود کسی باور  
نمی کرد با مضای خود که صدیق الملک میگوید

ادبای

- قبیله اندرز حکیمانه سرخوش رشتی
- از شماره چهل و چهار
- آن چشم که دیدو چشم پوشید
- زان چشم بیوش چشم دیگر
- آن گوش که یک شنیده را
- نشنیده گرفت او است فر فر
- گر چشم بود چرا شده کور
- ور گوش بود چرا شده کر
- آن کلاه که بر شد از اراجیف
- بی دغدغه از کدوست بد تر
- کرگاه بود چرا است بی مغز
- ور مغز در او چرا نه مشر
- آن لب که زبان بکند بکشود
- ز او هیچ سخن ممکن تو باور
- او بدست زبان و کمره بودی
- در قول چه واعظی به منبر
- داجوست هوای و جعد انگیز
- نیکوست د وخت بار آور
- مطلوب قوس چیست دانش
- محبوب عروس چیست زبور
- کوکد دارد امید پسری
- ای پیر بچو جوانی از سر
- هیبت که کهنه نو نکرده
- دارائی اگر بز یورو زر
- عادت چه طبیعت است و زکی
- جاننی که برون شود زبیکر
- لاغر نشود بگفته فریه
- فریه نشود برنده لاغر
- انگنه برست و آنگین سال
- کر نو طلبد زهی است نوبر
- کی صالح گشتند کرک و بره
- کی یار شود آهو و خر
- دیبا لیری مگر ز شتر
- باید بز ند به نیش عقرب
- باید بدرد بنوک خنجر
- با آب بگو مشو تو جاری
- بر باد بگو مرو تو سر صر
- با خاک بگو میاش ساکن
- بر نا ر بگو میاش آزر
- بازاله بگو سریز قطره

- انگس که رفت جزیره راست
- آسوده بزیست باک بافر
- از طوفان چه بیم آکرهت
- در کشتی ناخدا هنرور
- بسیار شد آنکه مرد ملاح
- در طوفانها نکند لاکر
- آن تبر که دست از کمان جیت
- وانگاه نشت سخت نابر
- برهیز از او که برکد دد
- ور بر کشت اوتی به بربر
- آن آوب که بار بود در غر
- وانبیب که بار بود در غر
- کاری ممکن آنکه باز افتد
- آوازه او بچرخ جنیبر
- این راه که میروی بود کج
- و این بار که میبری بود زر
- نرم که شوی زکرده نامد
- نرم که شوی زکرده نامد
- آن باز که رفت باز از دست
- آنکاه که رفت آب از سر
- نه باز بدست او تقد باز
- نه آب بچو رود مقفر

حوادث شری

مشهدی خن خباز که در خیابان چراغ برق  
دکاندار خیازای حاجی علی بنی است بجرم  
اینکه در نیم من نان دو سیر و شش مقال  
کم فروخته است و رسد باشی مر کر او را  
باداره نظمه فرستاد بوده بعد از تحقیقات  
مرخص شده و قرار شد راهپوت او را بیدیه  
فرستد تا تکلیفش ماموم شود و در تمام  
محلات خیازها مشغول بکم فروختن نان هستند  
و مردم در این خصوص مگر بکمبسیار  
شکایت نموده اند و ببلیده هم راهپوت داده  
شده است ولی هنوز تکلیف کم فروشی ها  
از بلیده غیر معلوم است  
قاتل پلیس مقتول  
از قرار تحقیق و خبریکه باخاره رسیده است  
امامقلی درشکه چی که قاتل پلیس مقتول از  
طرف سفارت دولت بهیه روس حکم بتوقیف  
او شده است که در خود سفارت خانه توقیف  
باشد  
( توقیف )  
سید علی نرد که سابقاً بجرم سرقت های  
عدیده در نظمه توقیف بود و بعد از آتضاء  
حبس از طرف نظمه مرخص شد و بد مجدداً  
بجرم سرقت کبیری عودلاجان او را دستگیر  
نموده و باخاره فرستاده که توقیف شود  
( سرقت یک لنگه برنج )  
اسمعیل نام را از قیصریه یا یک کوله بار برنج  
باداره فرستاده بردند بتوان اینک جنیدی است  
مشغول فرزوی برنج است فر قیصریه و قلام  
برکه بدست آمده است لهذا اداره نظمه  
برنج را بصاحبش مسترد داشته و اسمعیل نام  
در نظمه توقیف گردید

لایحه

ایتالیا متوقف گردید . چندی نگذشت خود ( کارناز ) یوا-طه و رود حمله ( سیپون ) دچار محصه و تهدید  
کنته و برای دفاع وجوب کبری حلات خصم - سارت نمود ولی باکال بدبختی در ( نروما ) در سال ( ۲۰۲ )  
مقبور و مغلوب گردید  
در جنگ سور ( هانیبال ) مرده بود و اهل رومن هم مصمم شده بودند که ( کارناز ) را غراب نمایند  
بنا بر این ( سی پون ۵۱ می لین ) محل مذکور در سال ( ۱۴۶ ) فتح و اخیر نموده آتش زده شهر مذکور  
در حال خرابی باقی ماند تا این که در ( ۱۰۰۰ ) ( ۱۰۰۰ ) ( ۱۰۰۰ ) ( ۱۰۰۰ ) ( ۱۰۰۰ ) ( ۱۰۰۰ ) ( ۱۰۰۰ ) ( ۱۰۰۰ )  
فتح مکدونیته ، یوان شرق - آخر جنگ های ( پرتیک ) آنها درجه اوج فتوحات اهل رومن بود و  
باقی یک کار سهل و آسانی بود . مکدونیته که زنده شده اسکندر بود در ( پیدنا ) سال ( ۱۶۸ )  
مقرض وهان سال ( کارناز ) هم روز اول کذات ( گوریت ) نیز در سال [ ۱۴۶ ] . مضحل سکرید .  
مملکت یونان که در صنایع و ادبیات هم پیشتر درجه اول بود در تحت تسلط و نفوذ اهل رومن قرار گرفت  
ایالات مشرق هم ( آسیای صغیر ، سوریه ، مصر ) بهرور بدست تصرف اهل روم افتاد . آفریقای  
شمالی نیز پس از شکست خوردن پادشاه بربر ایشان ، زو کورتو ، جزو ممالک رومن محسوب گشت



### ملکرات داخله

از قزوین بطهران ۱۲۲۰

مقام منبع رفیع وزارت جلیله داخله و ریاست وزراء مد ظله العالی دیوان عدالت که در شهر بهزاران فداکاری هابر باشد و عمر بزرگ مشروطیت و مایه امیدواری ملت است در قزوین از سوء اقسامات میرزا عبد الحسین خان رئیس عدلیه که بدل کرسی برآدرش جناب ادیب التجار وکیل محترم مجلس شورای کبری ملی نموده کار بجائی رسیده است که هیچ آثار مشروطه و قانون در این اداره جلیله باقی نیست بمقام وزارت عدلیه اعظم ناکرانی و عریضه نظم مکرر فرستاده جواب فرستد علت معلوم نیست استدعا داریم امر بفرمائید که رفع ظلم این ظالم را نموده که اهالی مظلوم قزوین آوده دعاگو باشند محمد حسین محمد صادق وکیل التجار مستند التجار حاجی محمد مهدی حاجی یمن السلطانه حاجی میرزا یعقوب احمد الحسینی حاجی محمد حاجی رضا اعتماد التجار امین الایاله حاجی قاسم مقیم احمد میرزا ابراهیم خان مصطفی هاشم حاجی حسن

#### سراب

چند روز است که صادم السلطان و حنمت السلطان حسب الحکم ایالت بسراب آمده درخانه مباشر ماله شقایق منزل نموده اند برروز حکومت نه نزار بستگان آنها را حبس نموده است

#### اردبیل

از قرار اخبار مقواتره اردوی دولتی امروز وارد خواهد شد و نظایر همه روزنطقهای عام المنفعه نمایندند مشهوری مختار از طرف محمد الملک برای غسل ثارت پورتیجی معین شده و فردا برای جمع آوری منهویات روانه خواهد شد شهر در نهایت امنیت و انتظام است

#### جلفا

بمحمد الله امنیت بر قرار است حسب الحکم ایالت میرزا باقر مرندی را برای مرض حاجی ان نیه خارجه حکومت از مرند بجلفا آورده که قطع دناوی نمایند چون حاجی ان نمیتوانست بطرف ایران عبور نماید لهذا میرزا باقر هم بررند مراجعت نمود

#### دری - وری

یا حال روزنامه نکاری

#### در بعضی نقاط

آئی

در جمعه بزار قومن ( که از قرای توابع رشت است ) راویان اخبار گویند پرمه زنی که خون انسانی در عروقش باز چون آغاز جوانی دوران داشت با چند سریشیم یکد بین از دسترنج بازوی غیرتمند خود معاش میکرد از جمله اسباب مدد آسانی زندگانش تخم گذاشتن بزرگهای ( گلک بود ) که هر ماه چند جوجه بیرون میاوندند این

خود بر سرمایه روزی ایشان میافزود در حوالی خانه پیره زن جنگلی وسیع بود که از سالیان دراز درخت های کهن را دارا و انواع وحوش مخصوصاً اقدام طیور دراوزیست میکرد و چند لاشخوار کهن سال نیز در آن جنگل بسر میبردند و هنوز جوجه های پیره زن سر از تخم بدر نکرده یکی از آن لاشخواران خود را بقلب آن صادر مرده ها میزد یا دواز آن هارا میزد بود و ضمیمه طعمه بومیه خود می نمود آشکارا است پیره زن از وجود آن غنیم برداری صورت آسودگی نداشت و فرصت را انتظار می کشید این لذت را هم خوبت در این موقع منتهی کشیم ( در کیلان لاشخوار را آنگ گویند ) بر حسب اتفاق روزی پیره زن برای همی بشهر رشت آمد و در حین عبور از کوچه جنب دارالحکومه چشمش بیک نفر ( قوشچی ) افتاد که قوش بزرگی را بر سه پایه با کمال وقار نشاند و به تربیت آن قیام داشت پیره زن چون هیچ با کمهائی مضائقه نداشت دولت مند آنستائی نداشت قوش را آنگ لاشخوار غنیم جوجه های خود تصور نمود و با بیاناتی ساده و موز که در خور خوانین خوشبخت و غیرتمند دهقان است ( آنگ ) را مخاطب ساخت

#### آنگ

عجب عجب که اوضاع زندگی خویش را تغییر داده و از مسایبی جمه بازار وطن تو و من هجرت کرده بشهر آمده و بر روی صندلی که در دست یک نفر انسان است و شب و روز مشغول خدمت تو است مقام گرفته !!! آنگ ! تو همان نبودی که هر روز از جوجه های بی توایم دوسه قطعه صید میکردی و مرادوچار اندوه و ملال و هجران از حاصل دست زحم میساختی تو آن نبودی که بجز در کوشه جنگل ماوائی نداشتی و هم خود را بیداء و اذیت مرغان از خود کوچک تر مصروف میداشتی ؟

آنگ ! وای بر من تو همان لاشخوار جنگل جمه بازار نیستی که بجائی راحت میدادند و جز دست برد از خانه من برای سد جوع لقمه بیچکت نمیدادند و جز بر شاخ درختی کهن در بجز جوجه جنگل پناهی نداشتی ؟

آنگ عجب عجب بایزگان پیوند کرده و بر صندلی نشسته و لچک چرمی بسر خود بسته دمی می خنیاوی و پری می نسکانی یالی می بندی و کوبالی بخرج میدهی ؟ آنگ خون ای بسا جوجه های بی گناه هم بگردن تو است که ناله و آهم از نو بگمگشان برمی شد روز و شب نبود ک طفل های بقیع از یاسیانی و جلویگری آجغات تو دمی بیسایند ؟ پیره زن گرم مذاکرات باقوش که التش بود و قوشچی از خطبات پیره زن متحیر برجا

خشک شده و بنگاهی تمجب آهیز بمذاکرات پیرمزن گوش می داد تا بدانند سرور سرش با کبکست و گفتگوش برای چیست چه می گوید و بگوید پیره زن بد از مدتی که راز و کلام خود را با مرغک ساکت و صامت و نکران اقداد داد عطف عنان سخن بجانب قوشچی کرد و گفت آئی عمو ! یا پورمن ز من این مرغک ظالم و جابر و متعدی را بمنش چیسار با سرش را از تن بر کنم و بوادی عدمش روانه حارم این مرغک ظالم لایق این مقام نیست و هر چه با من کم کرده با تو و صاحب این خانه بیشتر خواهد کرد

بلی کاهی از اوقات اوضاع زندگی بی اندازه مایه عبرت است و بی حد اسباب حیرت آنگ قوش میشود و بیازوی بزرگان جامی کبکست و بکلی زندگانی سابقه خود را فراموش میکند خود را ناجی و تمام دول و ملل را هالک میشمارد گاهی که دست بچند صفحه کغذ بند می شود آن صفحات را دولت سرای حاج صدر السلطانه قرار می دهد که برود و دیوارش جانی نیست آلم نامی و آسم کمرای آن جنگ بندگ و ادیب با آبرو متقوش نباشد ( گویند ) چندی پیش دامن از زندگانی دنیا کوبیده تنگ آمده و در عوض ادای حقوق بگنفر مدعی و محق در جواب محکمه مینکارد [

کاش می میدیم و این یاد و برت ها را نمیدیدیم

بلی چنانکه برود دیوار دولت سرای آن دویم قرین دلشاد ملک معارف یعنی بهر جائی که از آن خانه بگذری و بهر زوایه و بیغولت اش که بگری نام همه چیز تمام او منقوش است در سالن حاج صدر السلطانه اطاق خوراک حاج صدر السلطانه محل خواب حاج صدر السلطانه طالار و مهمایی حاج صدر السلطانه آشپزخانه و انبار ذخایر مدت سال حاج صدر السلطانه حاج صدر السلطانه حاج صدر السلطانه حاج صدر السلطانه

بلی بعضی از همکاران بانواع و اقسام شبوه ها که بجز احداث قنات و ایجاد شقایق اسباب قدرت و مایه فقر و ذلت هیچ حاصلی ندادند دقیقه نیست اگر چند تومانی برای تهیه کغذ فراهم کردند فوراً آن صفحات را بر لوحه مهران و بلعاضی مدیر مسئول موشح نمایند و در آن مایه عموم مردم و جمیع هموطنان را بجزاران بتهاز غرض آموخ متهم نکند و بیاو ها بقلب نزنند و وطن را شبیه بجز هابک از گشتش عا باید داشت نکرده و جهل و غرور و طمع و غرض و خبیات تقریباً غیر از خود عموم مردم را ( سوژه ) شیرین زبانی اولین مقاله خود نژاد و اولیای او را بشکلاتی بی پایان دوجار تمایند این همان لاشخوار قدیم است که خود را قوش ساخته و به پروبایی عالی ودانی می چسبید و بلقویات وطن خراب کن پر داخته ترانت قدری زم ترو ملازم تر و مقول زومه و دب تر اغراض شخصی را اظهار داشت بهترانت چیزیکه انجاش از عهد ما خارج

است خود را با قدم بدان وجهی را به قنای و خبیه آن مبتلا نمازیم ( این الوقت )

#### رفع نهمت و اشتباه

چون در تنبیر کافیه سابق جنب میرزا سلیمان خان معاون وزارت جلیله ماله بواسطه خستگی و کمالات مزاج از حضرت وزارت خواش قبول استعفاى خود را کتبا ارسال نموده بودند نمود پس از پذیرفتن از برخی از مردمان معترض کتوته نظر بعضی بیانات نا صواب و افتراهی ماهنجار شبنده که نسبت بایشان داده و گفته اند لهذا بموجب این آرتیکل عرض میکنم که هر کسی که سخن مقرون بصوابی دارد در عدلیه اعظم محکمه جزا طرح نماید و الا چرا بایدان نوع اشخاص وطن خواهان نوع پرست را که مدتهاست امتحانات خود را داده ( یعنی صرف نظر از مال و جان خود نموده ) به بعضی بیانات نا پسند آزرده دل و دل تنگ نمایند

چنانچه کسی سخن بر صواب و حرف صحیحی دارد جواب آرتیکل را از روز درج تا یک هفته بعد بدهد زیرا که بعضی اعتراضات دیگر داریم که پس از انقضای هفته در صورت نرسیدن جواب خواهیم نکشت آنوقت کسرا حق ایراد و دل تنگی بر او پسند لایحه نیست امضاء محفوظ ( دوفه فدائی وطن )

### ملکرات خارج

از لندن ۱۷ مه هوا امروز ابر و اجمال بارندگی می رود دوازده فوج از برای ایستادن در موقع عبور جنازه حاضر اند رسومات تشییع تا یک ساعت راه بخط مستقیم معتمد خواهد بود خط عبور دو صف از سربازان و یک صف از پلیس با تفنگهای وارونه خواهند بود جمعیت مردم با حالت عرا در حرکت رسه میل مسافت را فرا گرفته بودند

از لندن ۱۸ مه پادشاه دانمارک و تورویژ و اسپانیا وارد و انتظار ورود پادشاه برتقال و بلژیک هم می رود امپراطور آلمان هم فردا وارد خواهد شد دنباله جمعیت نا و کتھال کعبه شده و ساعتی هشت هزار نفر از جلو تابوت میکشند مسیو کارنجی هزار لیره با عانه تلفات معدن ذوغال و آیت فرستاده

ژنرال برت بارلوزو کپیان شیدین کرس وفات نمودند اعلیحضرت ژرژ و ملکه الکساندرا امروز مشغول پذیرائی واردین که اعلیحضرت متول و ملکه ایشان و پرنس هنری نپدر رلند و اعلیحضرت فردینان پادشاه بلغار دول اسقا وارش دول فرانز فریدانند و پادشاه رومانان و سربویا و مونت نکرو و شاهزادگان ژاپونی و چینی و سپام و عثمانی و شارل سویدن فیلیپ و لیوار سنکر کو برک و لیرت برینا

مکرمان وزان سگرتی و کراندوک هس و مکدن برک بودند انتظار چندین نفر دیگر هم برای فردا می رود اعلیحضرت امپراطور آلمان امروز باجهاز هومس بشپرس ورود فرمودند دو فروند جهاز جنگی که از برای استقبال سلاطین مقرر بود بر حسب خواهش امپراطور توپ سلام نزدند در صورتیکه برای سلاطین دیگر تلیک توپ می شد مسیو ریوشون و نمایندگان فرانسه هم امروز وارد شدند

دنباله جمعیت امروز بهت میل راه رسیده مجلس مخصوصی امروز بعد از ظهر مرکب از مسلمانها و عثمانیها و هندوستانها در رستوران هولین لندن برای استماع اشعار هندوستانی بقوسط رئیس مجلس اسلامی منعقد شده و احکامات حرن وانوده مسلمانان را در این واقعه اظهار داشتند و ادعیه مخصوصی برای شاه ماضی و بقای سلطنت اعلیحضرت قرائت نمودند بعد از خواندن اشعار ملازور پیل گرامی اظهار داشت که پادشاه انگلستان بر قسمت عمده اسلامیان حکمرانی دارد و خواهش نمود که همه حضار در ادعیه خیریه با او شرکت نمایند و بعد دستور معیار که از سورقران مجید برای آسایش روح پادشاه متوفی و سلاطنتی شاه حاضر تلاوت کردید و بعد از اختتام آنها تماماً دستهای خود شانرا برای استجاب بلند نمودند

والا حضرت آقا خان و جناب امیر علی تلگرافی مبنی بر تأسف از غیبت خردستان نموده و خود را در تمام رسومات شریک فرموده اند ماکه سهمی بیروس و کراندوک هس در ساعت دو نیم تابوت را دیدن کردند

### اخبار خارجه

( حادثه صفره )

مشکو ۲۷ آوریل - رئیس دومای دولت [ کوچکوف ] در موقعیکه سوار ماشین بود در حالت عبور و حرکت ترن مذکور از اسفامبون ( پوزوو ) از زیر واگون چیزی ترکیبده فوراً ماشین را تکه داشته مشغول تقشش و معاینه شده انزوی بسیدا نکرده اند و از قرار تحقیقاتی که بعد حاصل آمده است این حادثه صفره از یک قشنگ دنیا بهت دار بوجود آمده است

( مسئله کریت )

وزیر خارجه دولت عثمانی ( رفعت پاشا ) بمجلس میبوان اظهار داشت که برای عدم اختلال اوضاع حاضر جزیره کریت از دول حاسبه تأمینات لازمه اخذ کرده و هر چند تأمینات مذکوره برای حصول مقصود دولت عثمانی غیر کافی است ولی باعث حفظ حقوق حکمرانی سلطنت عثمانی است صدر اعظم دولت مذکوره هم منتهای تمجید و ستایش ازین تمایلات خبر خواهانه دول حاسبه نسبت بدولت عثمانی نموده است

ای نخست شهر سیرتا که امروز اگنطانتن است

موقوف طبقه متوسطه در روم - در روم اشخاصی که فی الجمله دارائی داشتند فقط اهل شهر و سر بازان ندر بودند طبقه اسافل از ابتدا ازای دادن و خدمات لشکری مصاف بودند ولی چندی نگذشت که بواسطه جنگ های بی دریی از عده لشکریان کاسته و طبقه اسافل هم داخل نظام شده و بدین واسطه ساکنین روم عبارت از یک مشت مردمان فقیر و اجنبی و اسرای آزاد بودند

گراک ها قانون زراعتی گراکوس : قتل دو برادر - دو برادر نجیب و جوانمرد و دارای اخلاق حسنه که نامشان ( گراک ها ) است خواستند جلوی گیری خرابی روم را نمایند ارشدش ( نیسه مریوس گراکوس ) آرای نامه را در باب قانون زراعتی تحصیل نمود و قانون مذکور هم عبارت از این است که اراضی املاک عمومی را که سابقاً معمولین غصب نموده بودند در میان فقرا قسمت نموده و ایشانرا جزو اهل شهری که مالک حق میباشد قرار دهد - مقصد عمده مشارالیه گرفتن اراضی متعلق بدولت بود - بدون اینکه ملکها حق نمایانرا ضبط نمایند و قطعه قطعه کردن مزارع مذکور بر املاک صغیره فردی بود که بر فقرای اهل روم تسبیه نمود و این اقدامات صحیحه نه بدعت بلکه احیاء هبت اجتماعی اهل روم در ایام ابتدائیه بود - و

در سال ( ۱۳۳ ) قبل از میلاد ) بواسطه تحیب و اشراف مقبول افتاد جمله دیوکرات ها بود خوشبخت تر از برادر مقبولش نبوده و به حال تمه گشته کرد ( ۱۲۱ ) ابتدای ( انارشی ) لشکری - ساکنین روم از آن تاریخ بر دو قسم ( متزین سنا ) و ( اسافل انس ) منقسم و هر کدام در صدد تنبیه و انتخاب رؤسای خود برای سنا افتاده بودند تا اینکه لشکرها که نه از اهل شهر بلکه از افرادی که شغلشان سربازی بود با خود داشته باشند و بدین جهت شهر روم بدت سرگردان افتاده اول مسلك وطریقه ( انارشی ) شروع نمود و طریقه مذکوره ( رفتار آزادانه افراد انسانی از تمام نظارت و تقشش حکومتی بود ) و بعد امرو حکم مستقل لشکری بوجود آمده تا حدیسلطنت را ایجاد نمود و اشخاص ( ماریوس و سیلا ) « بویسه و سه » « آنتوران و اوگنشو » در باب نفوذ تسلط خود با یک دیگر در جنگ وجدال بودند ماریوس - ماریوس که یک سرباز رشید ولی در امور بلتیک بی اطلاع و بصیر بود بواسطه فتوحات خود طرف ستایش و تمجید تمام عوام الناس روم کردید - مشارالیه بر پادشاه آفریک ( زوغوتا ) که بای نخستین بلده سیرتا بود بر نژاد بربر منسوب بود و اهل رومن « اومید » می گفتند جمله کرده غلبه نمود و بعد بروحشی های « زرمین » اهل « سیمبر » و « توتون ها » که بواسطه یک طفیان بزرگی از مملکت



دوای روس

دوای مسئله ارسال تلگراف به پارلمان دولت انگلیس مسیو (پروشکویچ) اجازه نطق خواسته و رئیس دوای روس اذن نطق نداده و بدینجهت فرقه طرف دست راست ترتیب پروتست سختی ببله رئیس مذکور می نمایند

مصر

۲۹ آوریل - بقهریکو اغواوی انگلیس ها قوانین تازه در مصر مرتب و منظم شده است که قوانین مذکور به بطریق عادت و حریت اجتماعات ممرض خواهد شد

تلفات بزرگ

۲۹ آوریل لندن - از مسافران انگلیس و اقامت (آلاباما) غازی زخمی شده و یکصد و هشتاد و پنج نفر محله معقول افتاده است

استقراض یونان

آفینا - مایر بانک ملی یونان برای استقراض صد و پنجاه میلیون فرانک و بجهت مذاکره و قرار داد مان با سرمایه داران خارجه در ۲۹ آوریل بمسئولان و با حرکت کرده است

بلغارستان

۲۹ آوریل صوفیه - مذاکره کردن دولت بلغارستان در مقابل نفوذ روس و عثمانی اسباب عدم رضایت و ناخوشنودی فرقه های دیموکرات را فراهم آورده است فرقه های چپ دیموکراتها ازوقته اخیر [روس-چق] و از حرکت بلغارستان ناراضی بوده منتهی میل و آرزو به تغییر و تبدیل کابینه دارند ولی رئیس الوزرای دولت بلغارستان مسیو (ملینوف) بقسمتی دارای نفوذ است که هیچگونه احتمال تغییر و تبدیل کابینه نمی رود

عسبان آزادوتها

از اسکوب خبر می دهیم که بموجب اشیارانی که از شهر [دیالووا] رسیده در بالای بلده مذکوره دود غلیظ و بزرگی مثل ابر سیاهی پیدا است که احتمال می رود که شورشیان شهر را آتش زده اند در ممبر (چرنولبو) مابین قمرودین و قشون دولتی جنگ سختی در گرفته است قشون دولت بمسئولانهای شورشیان هجوم آورده آنها را مغلوب و قریبه نزدیک (پریزون) را ضبط کرده اند این مظنون اردو نموده سر کوبی شورشیان است

بمقابله اختلافی که مابین تورکوت بانا و خلیل بانا حاصل شده خلیل بانا استفا داده است تمام صاحبمنصبان باخلیل بانا هم رأی و هم اعتقادند که باید حملات سختی در مقابل شورشیان اجرا نمود ولی تورکوت بانا باکل اعتدال حرکت می نمایند و بدینجهت وزیر جنگ دولت عثمانی محمود شوکت بانا بمسئولان آلبانی و پمیدان محاربه عزیمت کرده است

احوال جزیره کریت

در مکتوب اخیر که از (حانیه) آمده است چنین نوشته شده که نظر رسیده دوریه استقلال یونان جشن هائی که در ۲۵ مارس عید یونان کریت اجرائی نموده در (رسوده) بمسلمانان خبلی اذیت و آزار نمودند حادثه که در بلده مذکوره اتفاق افتاده است خبلی مؤثر و دلمختر است از آن جمله ساعت بزرگ یک مسجد را در داخل قصبه بایر شکست و به باره خانه های مسلمانان تلیل کرده در و دیوار های آن را سوراخ نموده اند در همان روز یک نفر مسلمان که از مزمره میگذشت تیر انداخته بپاره از ترس جان نوری خندقی پنهان شده و قریب صد تیر برای قتل وی خالی کرده و بمخال اینکه مسلمان مذکور را کشتند برکنه اند و ایضا یک دکان مسلمان را تاراج کرده اند

مزارهای در بطرز بورخ

در ۲۹ آوریل در سفارت دولت انگلیس مقیم دربار بطرز بورخ مجلس عزاداری منعقد شده تمام خانواده امپراطوری و وزرا و ارکان دولت روس حاضر و اظهار تسلیت و تعزیت بصفت کبر دولت بریتانیای کبیر نمودند لندن - بمنازعت رفت پادشاه انگلستان در ۲۴ آوریل تمام جزائر باعلامت عزرا منتشر شده و مطبوعات انگلستان پادشاه متوفرا بقم (صلح پرور - پادشاه جماعت) لقب و موسوم کرده بودند

درفرآنسه

پاریس - نظر بتبایعات رسمیه دولت فرانسه تمام ادارات و دیوانخانه ها و وزارت خانه ها و مدارس دولتی و غیره همه بریق تعزیت بالای در و دیوار و برج زده و روز مذکور نظر با احترام ادوارده هفتم تمام ادارات دولتی را تسلیل نموده بودند

اعلان

چون از قرار مسموع اغلب از دوا خنشا و دوا فروش ها که در علات طهران دوا خانه دارند خودشان را نسبت بشعبه دواخانه نظامی معرفی میکنند محض اطلاع عموم اهالی مملکت ایران خصوص اهالی طهران عرض

اعلان

شرکت نمایش ایرانیان

در تحت ریاست عالی و توجه حضرت مستشار الدوله رئیس محترم مجلس مقدس شورای ملی شب دوشنبه ۲۰ شهر جمادی الاولی ۱۳۲۸ از طرف اعضای شرکت نمایش «مفتش» در پنج برده از تالیفات (کوگول) شاعر و نویسنده معروف که به فارسی ترجمه شده است در پارک آتابک مرحوم ملکی جناب ارباب جمشید که از راه معارف پروری بجهت نمایش مزبور و انکدار کرده است تماشاداده خواهد شد نیم ساعت از شب مزبور گذشته شروع میشود

محل فروش بلیط

ادارات جراید وقت ایران نو شرق لندن و اداره نظمی و تجارت خانه طومانیاس و جمشیدیان و شب دوشنبه در خود پارک آتابک

اخطار

شرکت نمایش باقیمداری بهمت و همراهی پرورانه و ترقی خواهانه برادران ایرانی بجهت توسعه دائره معارف و مدارس منبند نمایشهای تاریخی و اخلاقی و ادبی راجع باحوالات و سرگذشت تاج داران نامی و وطن پرستان غیور این آب و خاک مثل نادر شاه افشار و غیره که حاضر کرده و بیکدیگر در عماترب بیوقم تماشا خواهد گذاشت

(رشید زاده)

اعلان

خانه سردار هیاون که در خیابان شاه آباد و پات طرف دیگر بخجانبان امیرخان سردار است و فعلاً اختیاراتخانه باجناب حاجی حسین قلی رمضان اوف تاجر بادکوبه است و دو دستکاه عمارت مفصل کل کاری است و حمام دارد باجازه داده میشود هر کس طالب است رجوع کند بوکیل رمضان اوف اقامیرزا حسن همدانی و مشهدی باقا بادکوبه که در سر ای حاجی محمد علی حجره نطق فروشی دارند و شب ها در آن خانه منزل دارند قیمت مناسب اجاره داده میشود و بخارجه هم اجاره داده میشود

حسن

۲۰ - ۵

میشود ابتدا در خانه نظامی شعبه و شرکت و ضمانت از هیچ یک از ذوا خانها ندارد

اعلان

بملاحظه پیش آمد ایام و فسات مدرسه عصمیه فرهنگ که واقع مقابل خانه های صاحب دیوان است رسماً تعطیل نموده در پوم جمعه ۱۷ از جهت بفرور مشغول عزاداری است لهذا از عمل مدرسهات محترهات مدارس ملی و سایر خانه های محترم وطن دوست مستندی است قبول زحمت فرموده برای کتب فیض و شرکت در تفریه داری تشریف فرما گردیده هیئت مدیره مدرسه را قرین افتخار فرمایید (دکتر علی اصغر خان بصیر الحاکما)

اعلان

خدمت ۰۰۰۰ مدیر محترم وقت دامت تائیدانهم البوم چهار دهم شهر اول در منزل خود بنده یک کتب که در رای فقط مهر اسم بنده بود منقود شده چون خود بنده سواد و امضاء دارم و تمام قبوضات بنده باخط و امضای خودم است بان جهت اگر کسی قبضی سندی باسم بنده بی خط و امضاء ابراز میکند از درجه اعتبار ساقط است (حسین گروسی)

اعلان قابل توجه عموم مقامات عالیه وزراء عظام و مجتهدین فخام و افراد ملت اسلامیه ادام الله تائیدانهم در جواب جناب میرزا علی قلی در شماره ۳۷ مندرجه جریده فریده وقت ستون اول

بنده که هدایت اعتماد دیوان باز فروشی هلم با مرحوم حسن جان تاجر کاشانی ستوانی قبل طرف محاسبه بوده دو فقره املاک خود را بان مرحوم بمیشروط داده تقریباً بمجهز تومانی کسری خواه گرفته در موقع انقضای مدت اسناد بمیشروطی تمام وجه را در حیات ان مرحوم بخود او رد نموده قبوض دریافت نموده برای اختلاف جزئی از بابت قسری زیادتی اسناد را رد نکرده همان سه حسن جان مرحوم شد ان اسناد خالی از وجه بدست حسین جان پسر او افتاد در موقع وزارت عدلیه جناب مشیرالسلطنه پسران مرحوم عارض شده سید حسین خان نوکر شخصی ایشان را مامور گرفت به بار فروش آمده که رسیده کی و احقاق حق او را در صورت صدق تمام بدیدم بوز که با حکم عدلیه ببار فروش خدمت حکومت وقت که آقای ناصر دیوان آمده آقای معظم الیه مجلس عالی از بخار و خوانین و ارباب شرف و تمام مجتهدین منفذ بمحاسبه آن اسناد خالی الوجه بمیشروطی رسیده کی و معلوم شد که آن اسناد خالی الوجه در دست حسین جان مانده برای اختلاف فرغ مقرر داشتند که بنده بکوهزار یکصد تومانی بمنزلی الیه بدهد قبوضات پدر او را رد نموده اسناد خود را دریافت نماید بهین طریق صورت مجلس تفریق محاسبه آن اسناد آن محترمین و مجتهدین و بخار و حکومت وقت آقای ناصر دیوان در دست است که آن اسناد خالی الوجه است باامضاء وزارت تجارت و صادرات وقت هم رسیده بعد کربلائی جنابم معروف به کلاقر بروجردی که برای اظهار افلاس بزی برای خوردن مال حاجی محمد کریم تاجر آصفهانی و غیره در خانه آقای شیخ کبیر متحصن بود حسین جان را فریب و به توسط کربلائی عیسی معروف برادر آقای شیخ کبیر ان اسناد خالی الوجه را از مشارایه دریافت و وکالت گرفته بطهران آمده بهراهی حاجی شیخ فضل الله حاجی آقا علی اکبر بروجردی که طرف نسبت و قرابت با او بودند راپورتی غیبی بدون حضور بنده و وکیل بنده از دیوانخانه انوقت صادر نموده بدواز آن خنبر معلوم نموده عریضه نظامیه بدیوانخانه عرض نموده و ایشان رجوع نمودند باسقیان آنچه که خواستم طرف را در اسقیان حاضر نمائیم تمام در طرفه در خانه حاجی شیخ فضل الله رفته در دیوانخانه حاضر نشد باطلاع وزیر دیوانخانه انوقت جناب نظام الملک و حکم محاکمه اسقیان را هم دارم آخر الامر در اسقیان حاضر نشد و به آن راپورت دروغ سید حسین خان مامور بنده رایانگی دولت قلمداد کرده بهم دست شیخ فضل الله و حاجی آقا علی اکبر از طهران هم هاشم خان نام غلام را باده نفر غلام بازندان آمده هشتاد هزار تومانی اموال مرا غارت نموده بنده بپسر خود فراراً بطهران آمده بمحضرت حجه الاسلام آقای آقا سید عبدالله مجتهد بهبهانی پشاهنده و کبیل برای احقاق خود مابین نموده حضرت معظم الیه هم رسیده کی بمرا ت و نظلمات بنده کرده برطبق احکام مجتهدین بافروش حکم به فسخ معامله آن اسناد بیع شرطی ورد بخواه و چهل هزار تومانی غارت اموال نموده و کبیل بنده بان احکام به عدلیه نظم کرده ناسخ آن حکم اشتباهی را صادر کرده نادراستیداد صغیر بعداً آن کربلائی جعفر به قوه استبدادیه حاجی شیخ فضل الله و حاجی آقا علی اکبر از مشیر السلطنه که صدر اعظم بود برطبق آن حکم منسوخ احکام صادر نموده املاک را تصرف کرده و لقب معین الرضائی گرفت هر چه بنده به دولت نظم کرده محض ملاحظه حاجی شیخ فضل الله بجای نرسید نادمه موقع فتح مجاهدین و گرفتاری شیخ فضل الله و حاجی آقا علی اکبر چندی معزی الیه رو پنهان کرد که بنده استیفاً بدلیه نظم نموده بود و بمحضرت اشرف رئیس الوزرا هم متوسل که رفع ظم و احقاق حق بشود حضرت معظم الیه هم به عدلیه مرفوع فرموده اند که مقرر دارند استیفاً رسیده کی و رفع این ظم را بفرمایند کربلائی جعفر معین الرضائی قلبی که مستحضر شد همه روزه توسط بعضی جراید بعضی اعلانات دوروغ و به بعضی هم آسان آن حکم استیفاء که فعلاً در عدلیه هستند متوسل و همه روزه در مقام انحلال و استیفاء کاری است که نگذارند به این ظم های استیفاء و احکام اشتباهی استیفاً رسیده کی شود و آنخاصه که آن حکم را بناحق داده اند نه از که متفصح بشوند لذا اولاً از مقام منبع وزارت عدلیه عاجزانه استدعا دارم که اکیداً مقرر فرمایند محکمه استیفاء به این عمل رسیده کی و رفع نظام بفرمایند که کلی املاک بنده را در مقابل هیچ به اسباب جینی شیخ فضل الله و حکم مشیر السلطنه به برند و همه روزه بخلاف کوئی اعلان دوروغ نویسی در جراید بنده را منقذ نمایند ثانیاً از عموم افراد ملت و مقامات عالیه عاجزانه تمنا می نماید که اگر فرسود صریض بنده تردیدی داشته باشند تحقیق فرمایند در صورت صدق باجاکر که مظلوم عمال قبیحه شیخ فضل الله و حاجی آقا علی اکبر است در هم وطنی و نوع پرستی همراهی فرموده در رفع ظم این معین الرضائی قلبی از بنده امداد و اعانت فرموده ظلم و دزد را به مجازات عبرت حکم دهنده و حامیان ظلم بشود باینکه بنده املاک بسیاری در مازندران دارم و این ادعای دوروغ راجع به دودانک و یک دانک نیم از دودانک است بمشرف اعلان بنده که اعان دیوان ملک ندارد البته دست برورده آن مرحوم و آن طرد ملت نباید زیاد از این دین درستی داشته باشد

(اعتماد دیوان)